



Teachers' Attitudes toward Teaching-Learning Methods of Entrepreneurship Education in Elementary Education

Hossein Zangeneh^{1*}, Alireza Kavousi², Zahra Bahrami³

¹ Department of Educational Science, University of Bu-Ali Sina, Hamedan, Iran

*Corresponding author: Hossein Zangeneh., Department of Educational Science, University of Bu-Ali Sina, Hamedan, Iran Email: Zangeneh@basu.ac.ir

Article Info

Keywords:

Entrepreneurship,
Entrepreneurial learning,
Entrepreneurship in
elementary school,
Teaching, Learning
strategy

Abstract

Introduction: Today, the importance of entrepreneurship in the economic system has led to its development in the fundamental sectors of a country, including education and training. Since entrepreneurship education is an important factor in the development of entrepreneurship characteristics of students, the purpose of this study was to study the attitudes of teachers toward teaching and learning methods of entrepreneurship education in elementary schools.

Methods: The present study was conducted descriptively and survey method. The statistical population consisted of all elementary school teacher trainees in the year 2017, and the sample group consisted of 44 volunteer trainees. A researcher-made questionnaire was used to collect informations. The validity of the contents of the questionnaire was confirmed by seeking opinion of the experts and its reliability was assessed using the Cronbach's alpha (0.94) test. The collected data were analyzed using SPSS V. 24 software and Kolmogorov-Smirnov test to ensure the normal distribution of the data and the T-test was done in order to assess teachers' attitude towards teaching techniques, content and evaluation were analyzed from the perspective of entrepreneurship in elementary school.

Results: The results of the research indicated that the mean and standard deviation of the teaching technique was 4.11 ± 0.65 ; the content presentation was 4.18 ± 0.69 ; and finally, the evaluation value was 3.95 ± 0.67 which was larger than the mean and this difference was significant at the level of 0.01. ($p < 0.01$); therefore, with 99% confidence, teachers' attitude toward entrepreneurship in the elementary period is positive and significant.

Conclusion: Teachers are one of the most important factors affecting entrepreneurship education in elementary school. Because of their special role in teaching, if they have a good attitude and entrepreneurial insight, they can integrate entrepreneurship education with teaching and learning strategies in their teaching and can act an important role facilitating the development of creative people with a spirit and entrepreneurial attitude.

نگرش معلمان به روش‌های یاددهی-یادگیری آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی

حسین زنگنه^{۱*}، علیرضا کاووسی^۲، زهرا بهرامی^۳

^۱ گروه علوم تربیتی، دانشگاه بوعالی سینا، همدان، ایران

نویسنده مسؤول: حسین زنگنه، گروه علوم تربیتی، دانشگاه بوعالی سینا، همدان، ایران. ایمیل: Zangeneh@basu.ac.ir

چکیده

مقدمه: امروزه اهمیت کارآفرینی در سیستم اقتصادی منجر به توسعه آن در بخش‌های بنیادین یک کشور از جمله آموزش و پرورش شده است. از این رو از آنجا که آموزش کارآفرینی عامل مهمی در رشد و توسعه خصیصه‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان به حساب می‌آید، هدف پژوهش حاضر مطالعه‌ی نگرش معلمان به روش‌های یاددهی-یادگیری آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی بود.

روش‌ها: پژوهش حاضر به شیوه‌ی توصیفی و به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه مهارت‌آموزان آموزگار ابتدایی ماده‌ی ۲۸ ورودی سال ۱۳۹۶ و در نهایت گروه نمونه شامل ۴۴ نفر از مهارت‌آموزان آموزگاری ابتدایی داوطلب بودند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده گردید. روایی محتوایی پرسشنامه به روش نظرخواهی از صاحب‌نظران و اعتماد یا پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ تأیید شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار spss v 24 و آزمون کالموگروف-اسمیرنوف جهت اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها و آزمون تی تک نمونه به منظور بررسی نگرش معلمان در ابعاد فنون تدریس، محتوا و ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره ابتدایی تجزیه و تحلیل گردیدند.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از پژوهش بیانگر این بودند که میانگین و انحراف استاندارد بعد فنون تدریس $65 \pm 0/65$ ؛ بعد از آنکه ۵۹٪؛ $69 \pm 0/69$ ؛ و نهایتاً بعد ارزشیابی $67 \pm 0/67$ بود که از میانگین آماری بزرگتر و این تفاوت در سطح $0/01 < p < 0/01$ معنادار شد. زیرا 99% اطمینان می‌توان گفت که نگرش معلمان نسبت به کارآفرینی در دوره ابتدایی مشتب و معنی‌دار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: معلمان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی بوده و به دلیل ایفای نقش خاص خود طی تدریس، چنانچه از نگرش و بینش خوبی نسبت به کارآفرینی برخوردار باشند، می‌توانند با ادغام آن با راهبردها و روش‌های یاددهی-یادگیری در کلاس، در پرورش افرادی خلاق و دارای روحیه و نگرش کارآفرینی بسیار تسهیل گر باشند

واژگان کلیدی: کارآفرینی، یادگیری کارآفرینی، کارآفرینی در دوره ابتدایی، راهبرد یاددهی یادگیری

مقدمه

انجام گرفته نشان داده‌اند که مهم است از روش‌های تدریس و ارزشیابی و مواد و محتوای یادگیری‌ای استفاده گردد که مربوط با محیط واقعی کارآفرینی، یادگیری فعال و مبتنی بر تجاری باشد که در آن یادگیرندگان برای اکتشاف و جستجوی بخش‌های مختلف یک مسئله ترغیب گردد، یادگیرندگان تا از عهدی شکست برآیند و از واستنگی به منابع بیرونی اطلاعات و متخصصان به سمت استقلال و تفکر مستقل حرکت کنند؛ به عبارت دیگر، روش‌های یاددهی - یادگیری‌ای که مبتنی بر بحث و گفتگو در مورد تجارب یادگیری، تحلیل موقعیت، حل مسأله، تحلیل ایده‌ها و استدلال باشند (۱۰ و ۱۱). بنابراین مطابق این پژوهش‌ها، یکی از راههای آموزش کارآفرینی در کلاس درس، ادغام آن با فرآیند و روش یاددهی-یادگیری کلاس درس است و معلمان یکی از عوامل اصلی و مهم ادغام آموزش کارآفرینی با راهبردهای یاددهی-یادگیری کلاس درس هستند. در این زمینه تحقیقات نشان می‌دهند که جهت رسیدن به اهداف آموزش کارآفرینی در مدارس، وجود معلمانی که بتوانند این اهداف را با فرآیندها و روش‌های یاددهی-یادگیری خود در کلاس درس ادغام نمایند، بسیار احساس می‌شود (۱۲ و ۱۳ و ۱۴). معلمان می‌توانند کارآفرینی را با فرآیند یاددهی-یادگیری و زندگی روزمره‌ی کودکان طوری گره بزنند که کودکان ناخواسته مثل کارآفرینان فکر کنند، متعهد گردند، ریسک پذیر و مسئولیت‌پذیر شوند، از مهارت‌های حل مسئله برخوردار گردند، فرصت‌های ثروت آفرین مادی و معنوی را به خوبی تشخیص دهند و قادر باشند تا ارزش آفرینی کنند که این خصیصه‌های کارآفرینانه چیزی نیست که طی یک کلاس یا حتی یکسال تحصیلی پرورش پیدا بکند، بلکه نیازمند استمرار و بذل توجه خاص معلمان در این زمینه طی سالیان متتمادی است. بنابراین با توجه به اینکه معلمان یکی از عوامل اصلی در این زمینه هستند، توجه و پژوهش درباره نقش و نگرش معلم در زمینه‌ی کارآفرینی، آموزش، رشد و پرورش روحیه‌ی کارآفرینی کودکان اهمیت خاصی می‌یابد. معلم به دلیل ایفای نقش خاص خود در کلاس درس می‌تواند دید و نگرش خاصی را نسبت به کارآفرینی گسترش دهد. در این زمینه اوجو، چینوی و اوپیاما (۹) اشاره می‌کنند که نگرش جنبه‌ی مهمی از رفتار و دانش انسانی است که واکنش‌ها را نسبت به رویدادها، موضوعات و افراد تعیین می‌کند. نگرش در واقع تلاش برای قضاوت چیزی است و تحت تأثیر تجرب، باورها و ادراکات افراد قرار دارد. آن‌ها نگرش را یک ارزیابی از ویژگی‌ها توصیف می‌کنند که از سیار منفی تا بسیار مثبت متغیر است. متأسفانه در زمینه نگرش معلمان در مورد آموزش کارآفرینی در کلاس درس دوره‌ی ابتدایی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. با توجه به اهمیت نقش معلم در ادغام کارآفرینی با روش‌ها و فرآیندهای یاددهی-یادگیری کلاس درس، می‌توان اینگونه تبیین کرد که بررسی نگرش معلمان نسبت به ادغام آموزش کارآفرینی با فرآیندهای و روش‌های

طی دهه‌ی اخیر کارآفرینی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، زندگی روزانه مردم تمام کشورهای دنیا را تحت تأثیر قرار داده و تبدیل به موضوعی داغ در جامعه شده است. همچنین سیاستمداران و اقتصاددانان به علت تأثیر آن بر توسعه‌ی اقتصادی و ایجاد اشتغال، آن را به عنوان یکی از عوامل کلیدی جهت افزایش نوآوری و رشد اقتصادی معرفی کرده‌اند و در نتیجه کارآفرینی طی زمان درون قلمروهای جدید و اخیراً به علت اهداف سیاسی، اقتصادی و فردی وارد محیط مدرسه شده است (۱، ۲، ۳ و ۴). هنگام بحث در مورد آموزش کارآفرینی در محیط تعلیم و تربیت، واژه کارآفرینی به دو مفهوم کارآفرینی بیرونی و درونی تقسیم می‌شود. مفهوم کارآفرینی بیرونی بر تدریس محتوای کارآفرینی همچون اطلاعات دانشی و زمینه‌ای در دنیای کسب‌وکار، برنامه‌ریزی مالی، انتخاب بازار و نظایر این‌ها (۵) اشاره دارد و مفهوم کارآفرینی درونی مربوط به توسعه‌ی نگرش‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه که شامل رشد صلاحیت‌های فردی خاصی است و به صورت مستقیم روی خلق کسب‌وکار جدید تمکز ندارد (۱ و ۶) و هدف آن رشد شخصی و ارتقای مهارت‌هایی مانند پیشگام بودن، جستجوگر فرصت‌ها بودن، مسئولیت‌پذیر بودن، مشارکت‌جویی، داشتن اعتمادبنفس، خلاق بودن و ریسک‌پذیر بودن در کودکان است (۱). طبق نظر آکسلسون، هگلوند و زنبرگ (۱) در فعالیت‌های مربوط به مدرسه، مفهوم کارآفرینی به "یادگیری کارآفرینانه (entrepreneurial learning)" تغییر یافته است و یادگیری کارآفرینانه را به عنوان رویکرد یاددهی و یادگیری می‌بینند. در این زمینه سایکولالانیو و همکاران (۷) معتقدند هدف از آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان این است که بتوانند در جامعه‌ی رو به رشد و در حال پیچیده شدن خود را وفق دهنده و با آن سازگار گردند. علاوه بر این، هدف این است که بتوانند نقش فعالی در بازار کار داشته باشند و کارآفرینی را به عنوان گزینه شغلی طبیعی درنظر بگیرند. بنابراین آموزش کارآفرینی شامل توسعه‌ی رفتار، مهارت‌ها و نگرش‌های فردی یا گروهی برای کمک به افراد و سازمان‌ها از هر نوع جهت خلق، انتساب با تغییر، لذت بردن از آن و نوآوری است. پژوهش‌ها در این زمینه نشان داده است که محیط تعلیم و تربیت کارآفرینی از این دیدگاه پشتیبانی می‌کند و خصیصه‌ها و مهارت‌های شخصی را به این مفهوم مرتبط می‌داند (۸ و ۹). از این رو ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه‌درسی کلاس درس باید به روشنی انجام شود که خصیصه‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان رشد و توسعه یابد. یکی از راههای عملی کردن این امر، تأکید بیشتر معلمان بر جنبه‌های عملی موضوعات درسی و ادغام موضوعات درسی علوم با همدیگر است (۹). در زمینه‌ی روش‌های یاددهی-یادگیری مناسب کارآفرینی، پژوهش‌های

اسمیرنوف جهت اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها و آزمون تی تک نمونه به منظور بررسی نگرش معلمان در ابعاد فنون تدریس، محتوا و ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره ابتدایی تجزیه و تحلیل گردیدند.

نتایج

قبل از انجام تحلیل سؤال‌های پژوهش لازم بود که از پیش فرض‌های آماراستنباطی از جمله نرمال بودن توزیع داده‌ها اطمینان حاصل شود. نتایج آزمون کالموگروف-اسمیرنوف در جدول ۱ ارائه شده است.

با توجه به نتایج آزمون کالموگروف-اسمیرنوف در جدول فوق، می‌توان اظهار نمود که متغیرهای پژوهش نرمال می‌باشند. زیرا سطح معناداری کلیه مقادیر Z در هریک از متغیرها بزرگتر از 0.05 می‌باشد ($p < 0.05$). توزیع فراوانی و درصد پاسخگویی نگرش معلمان به فنون تدریس، محتوا و ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره ابتدایی در جدول ۲ ارائه شده است.

با توجه به نتایج جدول بالا، فراوانی، درصد و میانگین ابعاد مطرح شده در خصوص نگرش معلمان به کارآفرینی به تفکیک هر سؤال، حاکی از نگرش مثبت آنان به کارآفرینی در دوره ابتدایی است. نتایج آزمون تی تک نمونه به منظور بررسی نگرش معلمان در ابعاد فنون تدریس، محتوا و ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره ابتدایی در جدول ۳ ارائه شده است.

با توجه به نتایج جدول بالا، میانگین و انحراف استاندارد بعد فنون تدریس 65 ± 11 ؛^۴ ارائه‌ی محتوا 69 ± 18 ؛^۴ بعد ارزشیابی 67 ± 95 ؛^۴ بود که از میانگین آماری (۳) بزرگتر است و این تفاوت در سطح 0.01 معنادار است ($p < 0.01$). بنابراین با 99% اطمینان می‌توان گفت که نگرش معلمان نسبت به کارآفرینی در دوره ابتدایی مثبت و معنی‌دار می‌باشد. نتایج آزمون تی مستقل به منظور بررسی تفاوت نگرش معلمان نسبت به کارآفرینی در دوره ابتدایی بر اساس جنسیت در جدول ۴ ارائه شده است.

نتایج حاصل از جدول ۴ نشان می‌دهد که t مشاهده شده در سطح 0.05 ($P > 0.05$) تفاوت معنی‌داری بین نگرش معلمان در خصوص کارآفرینی در دوره ابتدایی بر اساس جنسیت نشان نمی‌دهد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه مقایسه نگرش معلمان به کارآفرینی در دوره ابتدایی بر اساس مدرک تحصیلی در جدول ۶ ارائه شده است.

نتایج حاصل از جدول ۵ نشان می‌دهد، F مشاهده شده در سطح 0.05 ($P > 0.05$) تفاوت معنی‌داری بین میانگین نگرش معلمان در خصوص کارآفرینی در دوره ابتدایی بر اساس مدرک تحصیلی نشان نمی‌دهد.

یاددهی- یادگیری کلاس درس سیار مهم و حیاتی بوده و می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در پرورش خصیصه‌های کارآفرینانه در کودکان یا دانش آموزان ایفاء نماید. در نتیجه، از آنجا که دوران کودکی و نوجوانی گروه سنی مناسبی برای اکتساب نگرش‌های مثبت نسبت به کارآفرینی هستند (۱) و همچنین از آن جاکه مطالعات پیشین کمتر به نگرش معلمان در این زمینه پرداخته‌اند، این پژوهش به طور ویژه در صدد پاسخگویی به این سؤال است که نگرش معلمان به روش‌های یاددهی- یادگیری آموزش کارآفرینی در دوره‌ی ابتدایی چگونه است؟ و سوالات جزئی پژوهش شامل: ۱) نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش تدریس از منظر کارآفرینی در دوره‌ی ابتدایی چگونه است؟ ۲) نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش‌های ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره‌ی ابتدایی چیست؟ می‌باشد. بنابراین با توجه به سوال اصلی پژوهش حاضر، مطالعه نگرش معلمان به فرآیندها و روش‌های یاددهی- یادگیری آموزش کارآفرینی در کلاس درس دوره ابتدایی است.

روش‌ها

پژوهش حاضر به شیوه‌ی توصیفی و به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه‌ی هدف تحقیق شامل کلیه مهارت‌آموزان آموزگار ابتدایی ماده‌ی ۲۸ ورودی سال ۱۳۹۶ بودند و در نهایت جامعه‌ی نمونه شامل ۴۴ نفر از مهارت‌آموزان آموزگاری ابتدایی داوطلب جهت تکمیل پرسشنامه از دانشگاه‌های پردیس شهید مقصودی، پردیس علامه طباطبائی لرستان و مرکز آموزش عالی فرهنگیان شهید مدنی قم بودند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید و پرسشنامه به صورت الکترونیکی طراحی گردید و به مهارت‌آموزان ارسال شد و ۴۴ نفر از مهارت‌آموزان داوطلب به پاسخگویی شدند. این پرسشنامه توسط پژوهشگران با مطالعه مقالات فارسی در حیطه فرایند و روش‌های آموزش کارآفرینی در کلاس درس و ایجاد طبقه‌بندی از مطالب جمع‌آوری شده، طراحی و به سه بخش تقسیم گردید. بخش اول مربوط به روش تدریس دارای ۷ سؤال، بخش دوم مربوط به محتوا شامل ۷ سؤال و بخش سوم مربوط به ارزشیابی دارای ۷ سؤال بودند. نهایتاً کل بخش‌ها ۲۱ سؤال را شامل می‌شوند. روایی محتوا پرسشنامه به روش نظرخواهی از صاحب‌نظران و اعتماد یا پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰.۹۴ تأیید شد. همچنین جهت نمره‌دهی از مقیاس لیکرت به صورت کاملاً موافق (۵)، موافق (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالف (۲) و کاملاً مخالف (۱) استفاده شد. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار spss v. 24 و آزمون کالموگروف-

جدول ۱: نتیجه آزمون کالموگروف - اسمیرونوف برای نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیر	تعداد	Z-مقدار	p-value
راهبردها و روش تدریس	۴۳	.۰/۷۳	.۰/۶۵
ارائه‌ی محتوا	۴۳	.۱/۰۷	.۰/۲۰
ارزشیابی	۴۳	.۰/۹۲	.۰/۳۶

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌ها به هریک از گویه‌های پرسشنامه پژوهش

متغیر	بعاد	ستاریوها		کاملاً مخالف		مخالفم		نظری نارم		موافقم		کاملاً موافقم	میانگین
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
فنون تدریس	۱	۴/۷	(۱)	۴/۷	(۲)	۴/۷	(۲)	۱/۱/۶	(۶)	۴/۹/۵	(۲۰)	۴/۹/۵	۳/۹/۷
	۲	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۱۴/۰	(۶)	۴۴/۲	(۱۹)	۴۹/۵	۴/۱/۸
	۳	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۷/۰	(۳)	۴۶/۵	(۲۰)	۴۱/۹	۴/۲/۳
	۴	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۷/۰	(۳)	۲/۳	(۱)	۵۵/۸	(۲۴)	۳۴/۹	۴/۱/۸
	۵	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۲)	۱۱/۶	(۵)	۴۴/۲	(۱۹)	۳۲/۶	۴/۰/۹
	۶	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۲)	۹/۳	(۴)	۵۵/۸	(۲۴)	۳۰/۰/۲	۴/۰/۹
	۷	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۲)	۱۶/۳	(۷)	۵۱/۲	(۲۲)	۳۰/۰/۲	۴/۰/۶
محتوها/برنامه درسی	۱	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۱)	۲/۳	(۱)	۵۱/۲	(۲۲)	۴۱/۹	۴/۲/۷
	۲	۲/۳	(۱)	۹/۳	(۴)	۴/۷	(۲)	۲۰/۹	(۹)	۳۲/۶	(۱۴)	۳۴/۹	۳/۸/۸
	۳	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۲)	۴/۷	(۲)	۱۶/۳	(۷)	۳۹/۵	(۱۷)	۳۲/۶	۴/۰/۴
	۴	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۲)	۴/۷	(۲)	۴/۷	(۲)	۲۵/۶	(۱۱)	۶۲/۸	۴/۴/۱
	۵	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۱)	۴/۷	(۱)	۱۴/۰	(۶)	۳۹/۵	(۱۷)	۴۴/۲	۴/۲/۳
	۶	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۱)	۹/۳	(۴)	۴۱/۹	(۱۸)	۴۱/۹	۴/۲/۰
	۷	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۱)	۲/۳	(۱)	۵۰/۱	(۲۵)	۳۴/۹	۴/۲/۰
ارزشیابی	۱	۲/۳	(۱)	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۱)	۱۱/۶	(۵)	۴۴/۲	(۱۹)	۴۱/۹	۴/۰/۴
	۲	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۲)	۴/۷	(۲)	۲۰/۹	(۹)	۳۲/۶	(۱۴)	۳۴/۹	۳/۸/۸
	۳	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۲)	۴/۷	(۲)	۱۶/۳	(۷)	۳۹/۵	(۱۷)	۴۱/۹	۴/۰/۴
	۴	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۲)	۴/۷	(۲)	۴/۷	(۲)	۲۵/۶	(۱۱)	۶۲/۸	۴/۴/۱
	۵	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۱)	۴/۷	(۱)	۱۴/۰	(۶)	۳۹/۵	(۱۷)	۴۴/۲	۴/۲/۳
	۶	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۱)	۴/۷	(۱)	۹/۳	(۴)	۴۱/۹	(۱۸)	۴۱/۹	۴/۲/۰
	۷	۲/۳	(۱)	۴/۷	(۱)	۴/۷	(۱)	۲۰/۹	(۹)	۵۰/۱	(۲۵)	۳۴/۹	۴/۰/۴
	۳	۲/۳	(۱)	۱۱/۶	(۵)	۴/۷	(۲)	۱۱/۶	(۵)	۴۱/۹	(۱۸)	۴۱/۹	۴/۰/۶
	۴	۲/۳	(۱)	۷/۰	(۳)	۷/۰	(۳)	۱۴/۰	(۶)	۳۹/۵	(۱۷)	۲۵/۶	۳/۶/۹
	۵	۲/۳	(۱)	۷/۰	(۳)	۷/۰	(۳)	۱۱/۶	(۵)	۴۱/۹	(۱۸)	۱۱/۶	۴/۰/۰
	۶	۲/۳	(۱)	۷/۰	(۳)	۷/۰	(۳)	۲/۳	(۱)	۶۰/۰	(۲۶)	۶۰/۰	۴/۰/۰
	۷	۲/۳	(۱)	۷/۰	(۳)	۷/۰	(۳)	۱۶/۳	(۷)	۴۶/۵	(۲۰)	۲۷/۹	۳/۹/۰

جدول ۳: بررسی نگرش معلمان به کارآفرینی با استفاده از آزمون t-تک‌گروهی

متغیر	شاخص	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماره ^۱	مقدار آماره ^۱	درجه آزادی	سطح معناداری
فنون تدریس	۴/۱/۱	.۰/۶۵	.۰	۱۱/۲۲	۴/۲	۱۱/۲۲	**-.۰۰۰۱
محتوها/برنامه درسی	۴/۱/۸	.۰/۶۹	.۰	۱۱/۲۰	۴/۲	۱۱/۲۰	**-.۰۰۰۱
ارزشیابی	۳/۹/۵	.۰/۶۷	.۰	۹/۲۶	۴/۲	۹/۲۶	**-.۰۰۰۱

(۱۱)، هارا و جنسن (۶)، سوآری (۸) پشتیبانی می‌گردد. در این زمینه، سوآری (۸) معتقد است روش‌های تدریس سنتی و متعارف کلاس‌های درس در بازآوردن افرادی با خصیصه‌های کارآفرینی ناتوان هستند و ماهیت این خصیصه‌ها با روش‌های تدریس فعلی و اکتشافی همخوان است نه روش‌ها سنتی و معلم محور. بنابراین طبق نظر سوآری (۸) می‌توان اینگونه تبیین کرد که روش‌های تدریس فعلی و یادگیرنده محور یکی از مهمترین عواملی است که معلمان می‌توانند از طریق آن‌ها در رشد خصیصه‌های کارآفرینی در کودکان موفق باشند. همچنین در تعلیم و تربیت کارآفرینانه، گیب (نقل از منبع شماره ۷) بر قاع بودن یادگیرنده در فرایند یادگیری تأکید دارد و معتقد است در این رویکرد یادگیری، باید از

بحث

نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش تدریس از منظر کارآفرینی در دوره ابتدایی چگونه است؟ نتایج تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه نگرش سنجی در بعد راهبردها و روش تدریس در پژوهش حاضر نشان دادند که با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش‌های تدریس کارآفرینی در دوره ابتدایی مثبت و معنی دار می‌باشد. در رابطه با بحث در مورد پژوهش حاضر می‌توان گفت که این یافته توسط پژوهش‌های گیب (نقل از منبع شماره ۷، ۱۰)، زوبرکا (نقل از منبع شماره ۱۱)، اوجو، چینوی و اوپیاما (۹)، تیبینی و وربالین

۱- میانگین آماری هر گویه در مقیاس لیکرت ۳ است؛ زیرا $3 = 5 \div 15 = 0.2 + 0.3 + 0.4 + 0.5 = 1.4$.

راهبردهای مفیدی برای تدریس و ارزشیابی کارآفرینانه در کلاس درس هستند. آن‌ها بر روش‌هایی چون پژوهش‌های گروهی و تکالیف خلاقانه و گروهی در ارزشیابی تأکید دارند. شاید یکی از دلایل همسویی پژوهش آن‌ها با پژوهش حاضر این باشد که روش‌های ارزشیابی خلاقانه، پژوهش‌محور و گروهی جزء مناسب‌ترین روش‌های ارزشیابی در آموزش کارآفرینی به حساب می‌آید و معلمان یکی از عوامل اصلی هستند که در اجرای این روش‌های ارزشیابی محوری هستند. بنابراین چنانچه نگرش مثبتی در استفاده از این روش‌ها همچون نوشتمن طرح کسب‌وکار، ارزشیابی‌های گروهی و پژوهش‌محور داشته باشند، می‌توانند در بارآوردن کودکانی خلاق و کارآفرین بسیار موفق باشند.

۳. نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش‌های ارائه محتوا از منظر کارآفرینی در دوره‌ی ابتدایی چیست؟

نتایج تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه نگرش‌ستجی در بعد راهبردها و روش‌های ارائه محتوا کارآفرینی در پژوهش حاضر نشان دادند که با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش‌های ارائه محتوا کارآفرینی در دوره ابتدایی مثبت و معنی‌دار می‌باشد. در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های هارا و جنسن (۶)، سایکولالاینو و همکاران (۷)، سوآری (۸)، اوجو، چینوی و اوپیاما (۹)، گیب (۱۰)، اوجو، چینوی و اوپیاما (۱۱) و برنامه‌ی یادگیری مادام‌العمر اتحادیه اروپا (۱۳) اشاره کرد. به عنوان مثال گیب (۱۰) معتقد است که باید روش‌ها و مواد یادگیری را در آموزش کارآفرینی استفاده کرد که با محیط و محتوای واقعی کارآفرینی مربوط باشد. شاید یکی از دلایل همسویی پژوهش گیب با پژوهش حاضر این باشد که از نظر او چنانچه معلم در آموزش دروس کلاس درس همچون علوم و مطالعات اجتماعی از محتوای یادگیری شبیه به موقعیت واقعی کارآفرینی استفاده کند مانند طرح سناریو و محتواهای موقعیتی، کارآفرینی استفاده در ادغام محتوای دروس کلاس درس با آموزش می‌تواند در ادغام محتوای دروس کلاس درس با آموزش کارآفرینی بسیار موفق عمل کند؛ به عنوان مثال طرح محتواهای موقعیتی مربوط به مهارت‌ها و محتوا کارآفرینی از جمله تصمیم‌گیری و حل مسئله در درس مطالعات اجتماعی. پژوهش سوآری (۸) نیز با این تبیین به خوبی همخوان است. او نیز معتقد است باید از معلمان جهت جای دادن محتواهای کارآفرینی درون برنامه‌درسی، طراحی مواد جدید یادگیری همچون سناریو، قرار دادن پژوهه‌ها و نظایر این‌ها حمایت گردد. همچنین در رابطه با این سؤال پژوهش می‌توان به پژوهش هارا و جنسن (۶) اشاره کرد. آن‌ها معتقدند یکی از روش‌های آموزش مربوط به کارآفرینی، حل مسئله است. از نظر آن‌ها، حل مسئله بخش مهمی از درس ریاضیات است و این حوزه‌ای است که بسیار با عناصر مهم آموزش کارآفرینی به واسطه‌ی مفاهیم مشترکی چون تحلیل، خلاقیت، برنامه‌ریزی، ریسک، همکاری و تأمل مربوط است. بنابراین در ارتباط با همسویی این پژوهش با پژوهش حاضر

روش‌های تدریس غیرستتی و نوینی استفاده کرد که در آن یادگیرنده فعال است و به ساخت دانش مشغول است نه تنها مصرف اطلاعات و دانش؛ و محیط یادگیری نیز باید منعطف و تعاملی باشد. زوپر کا (نقل از منبع شماره ۱۱) نیز در پژوهش خود روش‌های تدریس معلمان را در کلاس درس کارآفرینی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و دریافت که اکثر روش‌های تدریس استفاده شده توسط معلمان بر پایه‌ی یادگیری همیارانه، بارش مغزی، بحث و گفتگو، شبیه‌سازی موقعیت‌ها و ایفای نقش هستند. شاید یکی از دلایل همسویی پژوهش او با تحقیق حاضر این باشد که او نیز معتقد است که معلمان جهت پرورش ویژگی‌ها و خصیصه‌های کارآفرینانه مثل روحیه کار جمعی، مسئولیت‌پذیری، خلاق بودن و نظایر این‌ها، نیازمند روش‌هایی هستند که با ماهیت این خصیصه‌ها همخوانی داشته باشد و به نحوی بتوانند معلمان را در پرورش این خصیصه‌ها یاری کنند.

۲. نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش‌های ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره‌ی ابتدایی چیست؟

نتایج تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه نگرش‌ستجی در بعد راهبردها و روش‌های ارزشیابی در پژوهش حاضر نشان دادند که با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش‌های ارزشیابی کارآفرینی در دوره ابتدایی مثبت و معنی‌دار می‌باشد. در تحقیقات پیشین همچون نتایج پژوهش‌های هارا و جنسن (۶)، سایکولالاینو و همکاران (۷)، سوآری (۸)، اوجو، چینوی و اوپیاما (۹)، اوجو، چینوی و اوپیاما (۱۱) و برنامه‌ی یادگیری مادام‌العمر اتحادیه اروپا (۱۳) نیز نتایج مشابهی گزارش شده است. به عنوان مثال شاید یکی از دلایل همسویی نتایج پژوهش اوجو، چینوی و اوپیاما (۹) با پژوهش حاضر این باشد که آن‌ها نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که معلمان نسبت به ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه‌درسی متوجه اول، نگرش مشتبی دارند. همچنین آن‌ها در پژوهش خود دریافتند که چنانچه معلمان پشتیبانی‌های ضروری و لازم را دریافت کنند، تمایل دارند تا مهارت‌های کارآفرینی را در دانش‌آموزان ایجاد کنند. بنابراین طبق پژوهش آن‌ها می‌توان اینگونه تبیین کرد که معلمان تمایل و توانایی لازم استفاده از روش‌ها و راهبردهای تدریس و ارزشیابی یادگیرنده‌محور، خلاقانه، گروهی و فعال در کلاس درس جهت ایجاد مهارت‌ها و خصیصه‌های کارآفرینانه را دارند. همچنین سایکولالاینو و همکاران (۷) معتقد هستند معلمان بهترین افراد برای ارزشیابی اهداف، اعمال و نتایج آموزش کارآفرینی هستند و بهترین و صحیح‌ترین بازخوردها را در مورد آموزش کارآفرینی از دانش‌آموزان به دست می‌آورند. از نظر آن‌ها معلمان در عملیاتی شدن آموزش کارآفرینی و خصوصاً پیدا کردن بهترین روش‌ها و فعالیت‌های تدریس و ارزشیابی نقش حیاتی دارند. تبیین و وربالین (۱۱) نیز معتقدند روش‌های خلاقانه و جدید مبتنی بر تعامل،

طبق یافته‌های این پژوهش، برنامه‌های تربیت‌علم با تجهیز معلمان به دانش، مهارت‌ها و روش‌های تدریس، ارزشیابی نوین و یادگیرنده‌محور و همچنین دانش کسب‌کاری می‌توانند به آن‌ها کمک کنند تا در ادغام خصیصه‌ها و محتواهای کارآفرینی با روش‌های تدریس و ارزشیابی و همچنین محتواهای کلاس درس موفق عمل کنند و در نتیجه نگرش مثبتی نسبت به این روش یاددهی-یادگیری کسب کنند. مطابق یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری با روش‌های کارآفرینی همچون مطالعه‌ی میدانی و قوم‌نگاری انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در زمینه‌ی نگرش دانش‌آموزان و والدین دوره ابتدایی و متوسطه در زمینه‌ی روش‌های یاددهی-یادگیری آموزش کارآفرینانه انجام گیرد.

سپاسگزاری

از خانم فریبا مقصومیان و کلیه افرادی که در انجام این پژوهش ما را باری نمودند و همچنین مهارت‌آموزان شرکت‌کننده در این مطالعه تشکر و قدرانی ویژه داریم.

تضاد منافع

انجام این تحقیق و امتیازات علمی و پژوهشی حاصل از آن با منافع مادی و معنوی هیچ کس و هیچ گروهی و نهادی در تعارض نیست.

References

- Axelsson K, Hägglund S, Sandberg A. Entrepreneurial Learning in Education Preschool as a Take-Off for the Entrepreneurial Self. *JET*. 2015; 2(2): 40-58.
- Heilbrunn s. advancing entrepreneurship in an elementary school: a case study. *IES*. (2010); 3(2): 174-184.
- Huber L.R, Sloof R & Van Praag M. The Effect of Early Entrepreneurship Education: Evidence from a Field Experiment. *EER*. (2014); 72, 76-97.
- Du Gay, P. against 'Enterprise' (but not against 'enterprise', for that would make no sense). *Organization*. (2004); 11(1), 37-57.
- Moghimi A, Ahmadpoo Daryani M. [Entrepreneurship training in Iran's Small and Medium business: Needs and Solutions]. *Entrepreneurship Development*. (2008); 1(1), 207-245.
- Haara and Jenssen. Pedagogical Entrepreneurship in Teacher Education – What and Why. *Icelandic Journal of Education*. (2016); 25(2), 183–196.
- Seikkula-Leino J, Ruskovaara E, Ikkavalko M, Mattila J, Rytkölä T. Teachers' Reflections About Entrepreneurship Education. (2010); http://www.utbildningsstyrelsen.fi/download/116383_EARL_I2009_Hollanti.pdf
- Soare e. Fostering Entrepreneurial Learning in Teacher Education. *Social & Behavioural Sciences Edu World 2016 7th International Conference*. (2017). 183-187.
- Uju, U, Chinwe, O, & Obioma, U. Attitude and Willingness of Teachers to the Intergration of Entrepreneurship Education into Secondary School Curriculum in Anambra State. *British*

می‌توان اینگونه تبیین کرد که روش حل مسئله سبب تلفیق محتواهای آموزش کارآفرینی (مهارت‌های شخصی کارآفرینانه همچون خلاقیت، توانایی تحلیل، مدیریت بحران، ریسک‌پذیری و نظایر این‌ها جزء محتواهای کارآفرینی محاسب می‌شوند) با محتواهای آموزش ریاضیات و ایجاد تلفیق میان رشته‌ای محتواهای گردد و در نتیجه در این روش، معلم می‌تواند از طریق تلفیق ریاضیات و کارآفرینی با روش حل مسئله خصیصه‌هایی چون تحلیل، خلاقیت، تأمل، ریسک‌پذیری و مواجه با موانع را در کودکان رشد و توسعه دهد. بنابراین تمایل معلم به تلفیق این دو حوزه‌ی محتواهای (کارآفرینی و ریاضی) در دروسی مانند ریاضیات از طریق روش‌هایی مثل حل مسئله بسیار بالهمیت است و سبب توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینانه در کودکان می‌گردد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که معلمان نگرش مثبتی به روش‌های یاددهی-یادگیری آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی داشتند. طبق یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که معلمان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی در مدارس ابتدایی هستند. آن‌ها به دلیل ایفای نقش خاص خود در کلاس درس می‌توانند، دید خاصی را نسبت به کارآفرینی رشد دهد؛ در نتیجه چنانچه معلمان نگرش مثبتی نسبت به آموزش کارآفرینی از طریق ادغام آن با راهبردهای یاددهی-یادگیری کلاس درس داشته باشند، می‌توانند در بارآوردن افرادی خلاق و دارای روحیه و نگرش کارآفرینی بسیار تسهیل گر و کمک کننده باشند. بنابراین

Journal of Education, Society & Behavioural Science. (2015); 10(1), 1-10.

- Gibb, A A. Education for enterprise: training for small business initiation – some contrasts. *Journal of Small Business and Entrepreneurship*; (1987); 4(3). 42-47.
- Tibéniené & Virbaliené. Learning Methods of Entrepreneurship Education. The collection of scientific papers. (2014); 123-133.
- Soorgi F, Soorgi F. [Entrepreneurship Education in Primary Schools]. Second International Congress on Empowerment in Management, Economics, Entrepreneurship and Cultural Engineering, Tehran, Center for the Empowerment of Social and Cultural Skills .(۲۰۱۷).
- Lifelong Learning program of the European Union. *Educative Booklet "A Quick Guide in Entrepreneurship for Pupils, Teachers and Management"*. Retrieved from <http://www.zrinski.org/media/uploads/ep-ek/educative-booklet-en.pdf>.
- Roshan M, Seifi, E, Abdollahi B, Nokani Zh, Banijamal Z. [The Relationship between Teacher's Entrepreneurial Education and the Entrepreneurial Spirituality of High School Students in Tehran]. *New Educational Thoughts*. 2015; 1(41). 151-179.